

محاسبه دقیق ارزش بیمه شده در بیمه های اموال

مترجم: سهیلا شرفی^۱

برای اخذ حق بیمه مناسب با توجه به میزان خطرات مشمول تعهد در بیمه های اموال و عدم النفع، شرکت های بیمه بایستی ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه^۲ را به درستی محاسبه نمایند. محاسبه ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه به منظور کمی نمودن مقدار سرمایه در معرض خطر به کار می رود و به تعیین مقدار مناسب و درست حق بیمه ای که می بایست اخذ شود، کمک می نماید. به طور قطع چنین محاسباتی برای آینده بلند مدت صنعت بیمه که ارزش های آماری ارائه شده آن، نشانگر ریسک واقعی بیمه شده باشد اساسی است. *پرتال جامع علوم انسانی*

بازار بیمه بین سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ شاهد افزایش چشمگیر نرخ پایه حق بیمه اولیه به علت خسارت ناشی از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر و کاهش عملیات بیمه گری به دلیل رکود بازار سال های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ بود.

با دلائل محکم می توان گفت که نرخ های کل به اندازه کافی بالا بودند تا کسری احتمالی ارزش های اعلام شده (توسط بیمه گذاران) را جبران نمایند. اما وقتی نرخ های پایین بیمه های اموال با افزایش

۱. کارشناس مدیریت بیمه

حجم خسارات ترکیب می‌شود، به این نتیجه می‌رسیم که صنعت بیمه باید به نرخ‌های پایه بیمه‌گری خود باز گردد و توجه خود را بر روی ارزش‌های کامل و بالقوه مورد بیمه متمرکز سازد.

قبل از طوفان کاترینا علائمی از شرایط بازار نرم وجود داشت و احتمال دارد در آینده وقتی شوک خسارات کاترینا (توسط صنعت بیمه) فراموش شد، مجدداً نرخ‌های پایه نادیده گرفته شوند. اگرچه در هر دو بازار نرم و سخت، شرکت‌های بیمه احتیاج به ادامه گسترش مستمر دارند که باعث تشویق ارسال گزارش صحیح ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه می‌شود. بدون کسب ارزش‌های درست و واقعی ممکن است صنعت بیمه با موقعیتی مواجه شود که حق بیمه‌های نامناسب و ناکافی برای خطرات تحت پوشش دریافت شده است که ثبات مالی بلندمدت را به مخاطره می‌اندازد. بررسی پرونده‌ها نشان می‌دهد کاربرگ‌های خسارات فیزیکی^۱ و عدم النفع^۲ به دفعات (به دلیل عدم استفاده) در حال کم شدن و یا مفقود شدن هستند.

محتوای این مقاله دارای اعتبار جهانی است، اگرچه به واسطه تغییرات اصطلاح‌شناسی^۳ بیمه و اختلاف سیستم‌های بیمه و به طور ویژه در مورد عدم النفع بعضی از مباحثی که به آنها اشاره خواهد شد در خارج از ایالات متحده آمریکا نیاز به تفسیر در بخش بیمه‌های اموال دارد.

ضرورت تغییر

در حالی که اقدامات بسیاری می‌تواند توسط نمایندگان، کارگزاران و بیمه‌گران جهت حصول اطمینان از درستی گزارشات ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه انجام پذیرد، ولی متأسفانه آنها انگیزه لازم برای انجام این عمل را ندارند.

ارزش مورد بیمه بالاتر به معنی حق بیمه بالاتر است. نمایندگان و کارگزاران به منظور حفظ مشتری به وضوح به دنبال ثابت نگه داشتن نرخ حق بیمه‌ها در پایین‌ترین سطح ممکن هستند، این موضوع بر روی محاسبه ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه اثر می‌گذارد. به علاوه تعداد معدودی از قراردادهای بیمه تجاری مشمول جریمه برای گزارش نادرست ارزش واقعی هستند. شرکت‌های بیمه در

1. Physical Damage (PD)

2. Business Interruption (BI)

3. Terminology

زمان انقضای بیمه نامه ها که به تجدید برتانه های بیمه ای خود می پردازند، به جای آنکه سالانه تمایل به کسب داده های جدید داشته باشند و در طی دوره های پنج تا هفت ساله به ارزیابی مجدد این داده ها بپردازند، در مشکلات مشارکت می نمایند.

تأکید بر این مطلب حائز اهمیت است که مشکل ارزش کامل و بالقوه نامناسب مورد بیمه تنها معضل شرکت های بیمه نیست، این مسئله می تواند برای بیمه گذاران نیز زیان آور باشد به ویژه برای صاحبان منازل که ناخواسته دچار کم بیمه گی شده اند.

بیشتر شرکت های بیمه به پیشنهاد خود مبنی بر فراهم آوردن پوشش بیمه ای « هزینه های جایگزینی تضمین شده » برای صاحبان منازل ادامه می دهند. اما به تدریج این پوشش فقط در برنامه های خاص (پوشش های تکمیلی) ارائه می شود و محدود به مقادیر نه چندان زیاد (معمولاً ۲۰ تا ۲۵ درصد) بالاتر از پوشش واقعی خریداری شده می گردد.

ابزارهای تعیین ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه

به رغم سختی ها و مشکلات حصول اطمینان از ارزش های واقعی، ممکن است بیمه گران بتوانند محاسبات ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه را ارتقا دهند اگر آنها:

■ نمایندگان و کارگزاران را به پر کردن کاربرگ های خسارات فیزیکی و عدم النفع مجاب سازند. اگر چه کاربرگ ها جزء قابل قبولی در مراحل بیمه گری محسوب می شوند اما قابل استفاده مستمر نیستند. مطالعات و بررسی های انجام شده توسط سوئیس ری نشان می دهد که بسیاری از پرونده های بیمه فاقد کاربرگ محاسبات بر اساس ارزش واقعی هستند. هر چند مشاهده اوراق پراکنده گزارش خسارات فیزیکی و عدم النفع برای مناطق مشخصی بسیار متداول است، ولی شرکتهای بیمه نیاز دارند تا اطمینان حاصل نمایند که این ارزیابی ها به جای آنکه بر اساس حدس و گمان باشد بر اساس واقعیت های علمی و اقتصادی است. مسلماً این امر نیازمند پرکردن کاربرگ های مربوط به موقعیت هر بیمه گذار است، حداقل این امر سبب می شود تا اگر بیمه گران کاربرگ های خسارات فیزیکی و عدم النفع با ارزش و اندازه درست (مساحت درست) مناطق کلیدی را در دست داشته باشند به محاسبه ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه کمک شود.

به هر حال نمایندگان و کارگزاران زمانی که می بینند بیشتر شرکت های بیمه از دریافت اوراق کم و پراکنده راضی هستند؛ انگیزه کمی برای صرف وقت اضافی جهت پر کردن کاربرگها دارند.

■ حصول اطمینان از این که نمایندگان و کارگزاران به درستی جهت ارزیابی خطرات خسارات فیزیکی و عدم النفع تعلیم دیده اند. حتی وقتی که بیمه گران به دریافت ریز محاسبات کاربرگهای ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه اصرار دارند ، اگر نماینده تخصص لازم در اجرای چنان آنالیزی را نداشته باشد ممکن است ارزیابی های نامناسب برای ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه اتفاق افتد.

■ حصول اطمینان از این که بیمه گران علی الخصوص در بخش بیمه عدم النفع که پیچیده و اغلب درک آن مشکل است ، تعلیم ببینند. تعلیم بایستی هر دو سال یکبار و یا در چنین دوره هایی تکرار شود و برای بیمه گران با تجربه نیز لازم است.

■ حصول اطمینان از این مطلب که یک شاخص (خط فرضی) زیربنایی برای ارزش خسارات فیزیکی و بیمه عدم النفع بخصوص برای مناطق کلیدی ، مشخص شود. این موضوع در مورد خطراتی که برای اولین بار ارزیابی می شوند صحت می یابد ولی ارزشهای مورد بیمه بایستی حداقل هر هفت سال یکبار به صورت دستی نیز مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند. خدمات ارزیابی توسط شرکت های تخصصی انجام می شود و این شرکتها نوع سازه و ملزومات و اموال شخصی و سایر فاکتورهایی را که مشخص کننده ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه می باشد ، مورد آزمون قرار خواهند داد .

■ اجتناب از تجدید تخمینی و ذهنی بیمه نامه به همان صورت قبلی (یعنی بدون بررسی مجدد و اصلاح سرمایه ها اقدام به تمدید تخمینی بیمه نامه بر اساس ارزشهای اعلام شده سال قبل نمودن) . به خاطر داشته باشید که در زمان تجدید بیمه نامه تمایل به محاسبه ارزشهای افزوده (مورد بیمه) داشته باشید . بیشتر بیمه گران از اینکه بتوانند از نرخها و ارزش های مورد بیمه دوره های گذشته استفاده نمایند و آن را برای (تعیین حق بیمه آتی) ۱۲ ماه دیگر نیز مورد استفاده قرار دهند، خشنود هستند .

به هر حال بیمه گران بایستی به این مطلب توجه داشته باشند که ارزشها را کد و ثابت نیستند بلکه هرساله در حال افزایش هستند .

■ همه سازمان را در درسهایی که از خسارات بزرگ می گیرید شریک نمایید. هر زمانی که یک خسارت بزرگ اتفاق می افتد که شامل ارزش اعلام شده کمتر از ارزش واقعی آن می باشد، چه

خسارات مذکور خسارات فیزیکی باشند یا عدم النفع، بایستی این خسارات توسط گروه خسارات شرکت در سایر قسمت‌های دیگر یک سازمان مطرح گردد.

برای مثال، خسارات عدم النفع می‌تواند تحت تأثیر نوسانات قیمت کالاهایی مانند ورق استیل موشک‌های هوایی یا قیمت نفت قرار گیرد.

خسارات اموال می‌تواند تحت تأثیر تغییر و اصلاح قوانین و یا مقررات خاص مورد نیاز برای بازسازی مجدد یک ساختمان قرار گیرد. بیمه‌گران (در واحد صدور) از این اطلاعات آگاه نخواهند شد مگر آنکه واحدهای خسارت این اطلاعات را در اختیار آنها قرار دهند.

■ از شرایط و مقرراتی استفاده شود که انگیزه قوی در مشتریان، نمایندگان و کارگزاران برای ارائه ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه ایجاد می‌نماید، برای مثال، شرکت‌های بیمه می‌توانند یک شرط بیمه مشترک به بیمه‌نامه اضافه نمایند، به صورتی که وقتی ارزش‌های واقعی با ارزش‌های اعلام شده در بیمه‌نامه یکی نباشد، خسارت پرداختی را محدود می‌نمایند. یک شرط نهایی نیز می‌تواند پرداخت را محدود به حداکثر ۱۲۵ درصد ارزش‌های اعلام شده نماید.

دیگر سازوکار با ارزش برای بیمه‌گران "محدودیت مسئولیت نسبت به موقعیت و مکان" است که مبلغ ریکاوری را به ارزش اعلام شده در بیمه‌نامه پوشش می‌دهد.

این شرایط و مقررات در بازارهای کم رونق و پر رونق در جریان هستند اما شرکت‌های بیمه سعی دارند به جای آنکه نرخ‌های بالاتری داشته باشند که به طور سالانه در حال نوسان هستند، قدرت بقای بیشتری داشته باشند. بدون این ابزارها، بیمه‌گران خود را فاقد محدودیت‌ها در پرداخت و دارای الحاقیه‌هایی با مبالغ از پیش توافق شده مواجه می‌بینند، در موقعیتی که آنها بایستی ۱۰۰ درصد از همه خسارات را پرداخت نمایند بدون اینکه اهمیت داشته باشد چقدر حساب‌های بیمه‌ای آنها کمتر از ارزش واقعی است (کم بیمه‌گری نموده‌اند).

نمونه‌هایی از خسارت فیزیکی

سوئیس ری در بررسی پرونده‌های خسارت به یافته‌های اندکی دست یافته است، لذا به منظور اجتناب از خطرات غیر منتظره به مشخص نمودن آنها و ترسیم خط راهنما در حیطه ارزش‌گذاری واقعی

اموال به شرح ذیل پرداخته است:

- در مورد خانه های استیجاری اطمینان حاصل نمایید ، ارزش کامل جایگزینی به جای ارزشی که موجر (اجاره دهنده) نیازمند بیمه نمودن آن است، اعلام شود.
- هزینه های بنا، معماری و مهندسی و همچنین هزینه های سربار اداری و سود به ارزش بنا اضافه شوند. زیرا این هزینه ها به عنوان بخشی از هزینه های جایگزینی محسوب می شوند. به طور متوسط این مبالغ حدود ۷ درصد از کل هزینه بنا می باشند.
- هزینه کارگر محلی متغیر است و حداکثر می تواند ۳۰ دلار در هر ساعت از متوسط ملی باشد.
- وقتی پوشش ارزش واقعی مالی را ارائه می دهید، توجه داشته باشید که اموال فرسوده می شوند. بیمه گران به جای آنکه از ارزش بازاری اموال که فقط برای مقاصد حسابداری کاربرد دارد، استفاده نمایند بایستی افت قیمت اموال را بر اساس نقصان و کاهش و استهلاک مورد بیمه، محاسبه نمایند.
- سوئیس ری زمانی که فقط از فاکتور سن برای مشخص نمودن ارزش واقعی مالی استفاده می نماید از قانون خود ساخته ای تبعیت می کند که بدین شرح است : در مورد بنا برای ۱۰ سال اول به ازای هر سال ۱ درصد فرسایش و از سال اول به بعد به ازای هر سال ۵ درصد مشروط بر اینکه حداکثر فرسایش ۳۰ درصد در نظر گرفته شود، در مورد ماشین آلات نرخ فرسایش برای ۱۰ سال اول به ازای هر سال ۲ درصد و برای سال های آتی پس از آن به ازای هر سال ۱ درصد مشروط بر اینکه حداکثر فرسایش به میزان ۴۰ درصد در نظر گرفته شود .
- کد بناهای محلی و قوانین و مقررات که بر بازسازی اسکلت بناها و ساختمان های خسارت دیده نظارت می کنند ، می توانند به هزینه های جایگزینی مهم بنا افزوده شوند در مورد زلزله نورت ریج^۱ نیازهای ساخت و ساز قانونی و حقوقی بناها، هزینه های جایگزینی بعضی از بناها را تا ۵۰ درصد افزایش داد.
- بیمه گذارانی که دارای واحدهای صنعتی و بازرگانی هستند، بایستی پوشش های اضافی بیشتری به منظور پوشش مقررات حاکم بر هزینه تخمینی توسعه های اجباری

خریداری نمایند (مثلاً سیستم اسپرینکلر (آبفشان)، سیستم حمایت در برابر زلزله مطابق با قانون Americans With Disabilities Act).

اموال شخصی و موجودی انبار در ردیف خسارات فیزیکی قرار می گیرند و می توانند ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه مازادی به شرح ذیل را شامل شوند:

■ اموال شخصی شامل اموال اشخاصی می شود که تحت کنترل و مراقبت و نگهداری بیمه گذار هستند و در بخش خسارات فیزیکی قرار می گیرند. این مورد همچنین شامل ماشین آلات، تجهیزات، اثاثه و دارایی های ثابت هستند که بایستی بر اساس هزینه های جایگزینی جاری ارزش گذاری شوند، به علاوه تجهیزات اجاره ای که خطر اصلی آنها در مکان هایی مانند بیمارستان ها، کارخانجات تولید کننده محصولات نیم ساخته و صنعت کشتی سازی مشاهده می شود، نیز در این مورد قرار می گیرند.

■ موجودی انبار شامل مواد خام، ملزومات، کالاهای تجاری موجود در توسعه و فرآوری (نیم ساخته) و کالاهای تمام شده (تکمیل شده) می باشند. با توجه به اینکه ارزش موجودی ها در طی سال در حال نوسان است، بیمه گران نیاز دارند که ارزش های موجودی را در دست داشته باشند. بنابراین ارزش های موجودی بایستی همیشه بر اساس حداکثر موجودی و متوسط موجودی به بیمه گر گزارش داده شود. این مطلب برای ارزیابی ریسک اهمیت دارد.

در طی فصول پررونق ارزش موجودی می تواند چندین برابر شرایط تعادل در یک سال باشد به طور مثال یک مرکز پخش خرده فروشی کالا ممکن است در ماه دسامبر با حداکثر ظرفیت پخش موجودی کالا فعالیت نماید حال آنکه در سایر فصول سال با ۵۰ درصد ظرفیت خود کار می کند، بنابراین نوسانات ارزش موجودی کالا بایستی جهت ارزیابی دقیق ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه مشخص شود.

به علاوه بیمه گران در زمان بررسی ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه بایستی به خاطر داشته باشند که مال التجاره (کالاهایی که برای فروش مجدد نگهداری می شوند ولی ساخته شده نیستند) و کالاهای تمام شده (کالاهایی که ساخته یا تکمیل می شوند) عرفاً بر اساس قیمت فروش ارزش گذاری می شوند. قیمت فروش را هزینه جایگزینی به علاوه سود نهایی تعریف می نمایند.

نمونه هایی از بیمه عدم النفع

بیشتر کارشناسان بیمه، بیمه عدم النفع را به عنوان یکی از انواع پوشش های بیمه اموال می دانند که به سختی قابل درک می باشد. شاید به همین دلیل متخصصان بیمه آن را به عنوان محدوده ای که ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه بسیار اغفال کننده است در نظر می گیرند. در نتیجه هر کسی که ارزش عدم النفع را بررسی و تکمیل می نماید بایستی درک حداقلی از مراحل حسابداری داشته باشد.

بیمه عدم النفع شامل "سود خاصی است که اگر حادثه اتفاق نیفتد این سود به دست خواهد آمد"، "هزینه های معمولی که برحسب ضرورت تکرار می شوند" و "هزینه های مازادی که به وجود می آیند تا حدی که سبب کاهش درآمد می شوند"، است.

برای محاسبه ارزش های درست عدم النفع بیمه گذار بایستی رقم فروش های خالص خود را محاسبه و هزینه های سال آتی خود را از آن کسر نماید.

در جایی که صورت حساب سود و زیان سودمندترین ابزار در تهیه ارزش های عدم النفع بیمه گذار است از درآمد خالص نبایستی در محاسبه عدم النفع استفاده نمود.

در صورت حساب سود و زیان ابتدا فروش های خالص محاسبه می شود و سپس بهای تمام شده کالای فروش رفته از آن کسر می شود تا سود ناخالص محاسبه گردد سپس هزینه های فروش و هزینه های اداری از آن کسر می شود تا سود خالص به دست آید. سود خالص نبایستی به عنوان ارزش عدم النفع اعلام گردد زیرا هزینه های بسیاری که در بهای تمام شده کالای فروش رفته وجود دارد جزء کسورات مجاز در تعیین ارزش های عدم النفع نیستند.

مثالهایی برای هزینه هایی که نمی توان آنها را در محاسبه عدم النفع کسر نمود عبارتند از، هزینه های حسابداری و هزینه قانونی، اجاره بها، تعمیرات و سودهای پرداختی، هزینه های نگهداری و هزینه های مسافرت و میهمانی ها. بنابراین این موضوع اهمیت دارد که مطمئن شوید بیمه گذار به سادگی بهای تمام شده کالای فروش رفته را از فروش های خود کسر نکرده باشد تا به ارزش های عدم النفع دست یابد. اگر چنین کاری را انجام داده باشد ارزش های عدم النفع خود را به میزان قابل ملاحظه ای کمتر از آنچه که هست به دست آورده است.

یک راه برای اجتناب از خطرهای غیرمنتظره در محاسبه ارزش های عدم النفع حصول اطمینان از این مطلب است که نمایندگان، کارگزاران و مشتریان از کاربرد های ساده و موثر استفاده نمایند.

ابتکار مدیریت در برآورد ارزش واقعی مورد بیمه

راه حل آسان و ثابتی برای حل مشکل عدم محاسبه درست ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه در بیمه های اموال وجود ندارد، اما اگر ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه به عنوان اولویتی برای شرکتهای بیمه مطرح باشد باید (روند گسترش و نفوذ آن) از سطوح بالای مدیریتی آغاز شود و در کل سازمان گسترش یابد. این روش یک روش پیشرونده پذیرش رفتاری در سیستم برای ایجاد اطمینان از ثبات عملکرد رفتاری شرکتهای بیمه در هر دو بازار کم رونق و پر رونق است.

بیمه گران بایستی برای محاسبه درست ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه تحت تعلیم قرار گیرند. ابزارها و منابع مورد نیاز در دسترس آنها قرار گیرد و برای جلب توجه و تمرکز بیمه گران بر روی ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه در طول یک سال پاداش های انگیزشی مورد استفاده قرار گیرد.

اما فقط ارتباطات درون سازمانی برای محاسبه ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه کافی نیست. پیام برون سازمانی مشابهی نیز بایستی به نمایندگان و کارگزاران فرستاده شود تا آنها نیز متوجه این مطلب شوند که چقدر صحت ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه برای سازمان اهمیت دارد .

خسارات هنگفتی که به واسطه طوفان کاترینا و ریتا تحمیل شد شاخص جدیدی برای اثرات احتمالی خطرات فاجعه آمیز ایجاد کرده است. خسارات صنعت بیمه در چنین مقیاس وسیعی اهمیت محاسبات درست ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه را اثبات می کند که :

اگر شرکت های بیمه ارزش های واقعی اسوالی را که بیمه می نمایند دریافت نکنند، نمی توانند نرخ های مناسبی را تعیین کنند. ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه بر روی درستی خطر مورد ارزیابی و نرخ گذاری آن و در نهایت در تعیین شاخص حداقل ریسک های شرکت های بیمه موثر است .

کارشناسان خبره صنعت بیمه اغلب از نرخ های فنی، شرایط و مقررات پوشش، فرانشیز ، حدود مسئولیت ها و تجمع خطرات فاجعه آمیز به عنوان بخش های اساسی در بیمه گری یاد می کنند. به رغم این واقعیت که ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه تأثیر بسزایی بر سود شرکت های بیمه دارد ولی متأسفانه هنوز اطلاعات درست ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه به عنوان یک اولویت مطرح نیست .

حال وقت آن رسیده که به این چشم پوشی سهوی صنعت بیمه خاتمه داده و به ارزش کامل و بالقوه مورد بیمه توجه بیشتری شود.

واژگان کلیدی:

ارزش اموال بیمه شده، بیمه اموال، بیمه عدم النفع

منبع:

"Getting it Right : Property insurance value" , *Swiss Re*, 2007.

